

هم آمیزی شعر و موسیقی در خسرو و شیرین نظامی

ماندانا خسروانی محمد ارومید

به وضوح دیده می شود و در کلام اکثر شعرا این واقعیت بیانگر است که شعرای بزرگ ما با موسیقی آشنا بوده اند. اشارات صریح نظامی به الحان و آلات موسیقی نیز نشان دهنده آشنایی مبسوط او با این هنر و انس و الفت او با نغمه های موسیقی است.

مقدمه

خسرو و شیرین جذاب ترین اثر نظامی از لحاظ توصیف احوال و پرداخت داستان است. داستانی است طولانی در طبیعتی دل انگیز همراه تجمل و جمال و شکوه و قهرمانان متعدد. دو انسان که به جهت سرشت انسانی که دارای محدودیت هایی ناشی از مسئولیت هستند

نظامی گنجوی این مثنوی هنرمندانه را در نیمه دوم قرن ششم هجری سروده است. این مثنوی نیز مانند دیگر مثنوی های او به زبان هنری سروده شده است و در هر سخن و کلمه شکل های خیالی شاعرانه نقش اساسی دارد و به زبان ادبیات بیان می شود. نظامی در سراسر این داستان تاریخی افسانه ای می گوشت تا شخصیت یک شاه و شاهزاده ایران پیش از اسلام را از جهات گوناگون نشان بدهد.

«تأثیرات مثبت و انگیزشی شیرین روی خسرو تا حد ساختن مردی مضموم و سیادت جوی از جوانی متلون و بی بند و بار و فارغ از ملک و مصالح آن، وجود رقیبانی در عشق برای خسرو (فرهاد) و شیرین (مریم و شکر اسپهانی) و تجسم و توصیف تفاوتها و فراهم آوردن امکانات سنجش سنجشها و آب و تاب های وصال و ... همه دست به دست هم داده تا متنوع ترین و پُر افت و خیزترین منظومه نظامی پدید آید.» (دکتر سعید حمیدیان، خسرو و شیرین، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷۶، ص مقدمه).

در این داستان هنرمندانی چون باربد و نکبسا پیوندی شگرف میان شعر و موسیقی پدید آورده اند و شاپور هم همین پیوند را به گونه ای دیگر میان عشق و هنر برقرار می کند. حتی کشاکشها، بگومگوها و مناظرات بسیار، در پاسخ های شیرین و خسرو به یکدیگر و سخنگویی نکبسا و باربد از زبان دو دل داده، همه بر جذابیت داستان می افزایند. بزم خسرو نیز که شاهکاری از توصیف هنر دو موسیقیدان نامور و تأثیر موسیقی است، بهانه ای برای ارائه توصیفات آرمانی و ابراز و ارضای حس زیباشناسی است خاصه که وزن شوق انگیز هرج مسدس مقصور یا محذوف که بهترین آهنگ در بیان عواطف عاشقانه است به تأثیر آن می افزاید.

در این منظومه موسیقی و انواع سازها مقام شایسته ای پیدا می کنند و رقابتی خاص میان «دستان سرایان» و خنیاگران و رامشگران دیده می شود تا جایی که معروف است باربد ۳۶۰ (دستان) برای تمام روزهای سال می سراید و اجرا می کند.

اصطلاحات موسیقی در خمسه نظامی

اصطلاحات موسیقی در خمسه نظامی در سه بخش قابل بررسی است:

۱. سازهای موسیقی



چکیده

قدمت موسیقی ایرانی با پیدایش نژاد آریایی گره خورده است. طبیعت و چشم اندازهای شگرف آن شور و هیجانی در دل انسانها برمی انگیزد که این شور به صورت نغمه و شعر جلوه گر می شود. کلمات دل نشین و آهنگین به تدریج صورت شعر و ترانه پیدا کرده و به ابداع نغمه و موسیقی منجر می شود. در جشنها و مناسبت های باشکوه و بزم های محلی نیز رامشگران و خنیاگران، با دف و ساز و دهل سروده های ملی را می خواندند و نزد توده های مردم، عزیز و گرمی بوده اند. آنان فقط مولد فضای طرب و شادی نبودند بلکه روح و روان مخاطبان خود را نیز متأثر می ساختند.

صرف نظر از ادوار اولیه، شعر پارسی، که در آن شاعران غالباً با آلات موسیقی آشنایی داشته و اشعار خود را با چنگ و عود و رباب و بربط می سرودند در دوره های بعد نیز آشنایی شعرا با سازهای موسیقی

۲. پرده‌ها و آهنگ‌ها
۳. اصطلاحات خاص موسیقی

سازهای موسیقی

سازهای موسیقی به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

سازهای زهی، سازهای بادی، سازهای سیم‌باز و سازهای ضربی.
الف) سازهای زهی مانند بریط که بنا به تصریح نظامی ساز اختصاصی بارید می‌باشد؛ مثل عود، ریاب، طنبور و کمانچه.

ب) سازهای بادی که با دمیدن هوا در آنها به صدا درمی‌آید و آنها را ذوات‌النفخ می‌نامیدند و امروز آنها را سازهای بادی می‌نامیم؛ مانند نای، سورنای، مزمار، بوق، کرنای، سپیدمهر، شاخ، شیپور، شبابه، گاودم و صور.

ج) سازهای سیم‌باز، سازهایی هستند که با سیم باز، یعنی بدون به کار بردن انگشت‌ها و به تعبیر دیگر بدون استفاده از پرده و انگشت‌گذاری نواخته می‌شده و آنها را معازیف می‌نامیدند؛ مانند قانون، چنگ، رود و شاهرود.

د) سازهای ضربی یا سازهای کوبه‌ای که به کلیه سازهایی اطلاق می‌شده که با وارد کردن ضربه با دست یا با قطعه چوبی به صدا درمی‌آمده‌اند که در خمسة نظامی زیاد به کار رفته‌اند؛ مانند کوس، دف، طبل، دهل، درای، زنگ، جرس، چغانه، چارپاره، ناقوس و جلاجل.

سازها نیز به طور کلی به دو دسته رزمی و بزمی تقسیم می‌شود. مانند کوس و طبل و دهل که در مثنوی اسکندرنامه سازهای رزمی هستند و سازهای بزمی مانند دف، تنبک، چغانه و زنگ و چارپاره که در مثنوی خسرو و شیرین و بزم‌های پادشاهان به کار گرفته می‌شدند.

پرده‌ها و آهنگ‌ها

نظامی در مثنوی خسرو و شیرین آهنگ‌ها و لحن‌های بارید شاعر و نوازنده خسرو پرویز را به این ترتیب ذکر می‌کند. ۱. گنج یادآور ۲. گنج گاو ۳. گنج سوخته ۴. شادروان مروارید ۵. تخت طاق‌دیزی ۶. ناقوسی ۷. اورنگی ۸. حقه کالوس ۹. ماه برکوهان ۱۰. مشک دانه ۱۱. آرایش خورشید ۱۲. نیمروز ۱۳. سبز در سبز ۱۴. قفل رومی ۱۵. سرو داستان ۱۶. سرو سهی ۱۷. نوشین باده ۱۸. رامش جان ۱۹. ناز نوروز یا ساز نوروز ۲۰. مشکویه ۲۱. مهرگانی ۲۲. مروای نیک ۲۳. شبیدیز ۲۴. شب فرخ ۲۵. فرخ روز ۲۶. غنچه کبک دری ۲۷. نخجیرگان ۲۸. کین سیاوش ۲۹. کین ایرج ۳۰. باغ شیرین. علاوه بر این سی لحن، حکیم نظامی اسامی پرده‌ها و مقام‌هایی را در خمسة خود ذکر نموده است مانند آهنگ عراق، پرده دیرسال، پرده دیرراست، پرده کج و ... اینک به ذکر مواردی از مثنوی خسرو و شیرین در این باب می‌پردازیم:

آواز حزین

آواز آندوهگین و غمگین را گویند.
به آواز حزین چون عذر خواهان

روان کرد این غزل را در سپاهان
(دیوان، ص ۳۱۳)
پس آن‌گه گفت کین آواز دلسوز
چه آوازست رازش در من آموز
(ص ۳۲۰)

آواز برداشتن

در این منزل به همت ساز بردار
در این پرده به وقت آواز بردار
(ص ۱۴۰)
نکیسا چون زد این افسانه بر ساز
ستای بارید برداشت آواز
(ص ۳۹۶)
نگنجد آن ترنم اندرین ساز
مخالف باشد ار برداری آواز
(ص ۳۳۲)

آهنگ و پرده

در آن پرده که شیرین ساختی ساز
هم آهنگینش کردی شه به آواز
(ص ۳۲۰)
در این نه پرده آهنگ آن چنان ساز
که دانی پرده پوشیده را راز
(ص ۳۲۱)

آوا: (آوای قمری)

بانگ و نوا یا صوت و آواز است. لهدا هزارستان
را هزار آوا گویند. (برهان).
مسلسل گشته بر گل‌های حمری
نوا ی بلبل و آوای قمری
(ص ۱۵۹)

آواز

نغمه یا سرود، آهنگ، هر یک از دستگاه‌های
موسیقی و شعب آن، یکی از گوشه‌های
شور یا سه‌گاه را گویند. (فرهنگ معین).
اگرچه مختلف آواز بودند
همه با ساز شب دمساز بودند.
(ص ۱۹۶)
در این منزل به همت ساز بردار
در این پرده به وقت آواز بردار
(ص ۱۴۰)
نگنجد آن ترنم اندرین ساز
مخالف باشد ار برداری آواز
(ص ۳۳۲)



آهنگ سنای بارید

نکیسا چون زد این افسانه بر چنگ
سنای بارید برداشت آهنگ
(ص ۳۱۱)

نکیسا چون زد این طیاره بر چنگ
سنای بارید برداشت آهنگ
(ص ۳۱۲)

آهنگ چنگ عراق، ارغنون و چنگ

بدین درگه نشانش ساز در چنگ
که تا بر سوز من بردار آهنگ
(ص ۳۰۹)

عراقی وار بانگ از چرخ بگذشت
به آهنگ عراق این بانگ برداشت
(ص ۳۱۱)

خروش ارغنون و خارش چنگ
رسانیده به چرخ زهره آهنگ
(ص ۳۶۴)

ابریشم

ابریشم تار سازها است که به زخمه یا ناخن نوازنده (واژه‌نامه
موسیقی ایران)، که حکیم گنجه در مثنوی خسرو و شیرین به کار
برده است:

پس آن‌گه ناخن جنگی شکستند
ز روی چنگش ابریشم گسستند
(ص ۱۴۹)

ز چنگ ابریشم مستان نوازان
دریده پرده‌های عشق سازان
(ص ۱۷۹)

به گوش چنگ در ابریشم ساز
فکنده حلقه‌های محرم آواز
(ص ۳۱۰)

ابریشم نواز و ابریشم ساز

بریشم‌زن نواها برکشیده
بریشم‌پوش پیراهن دریده
(ص ۳۶۴)

چو بر زخمه فکند ابریشم ساز
درآورد آفرینش را به آواز
(ص ۳۰۹)

آرایش خورشید

آرایش خورشید لحن یازدهم از سی لحن بارید است و برخی آن را
آرایش جهان؛ و هفدهمین لحن بارید ذکر نموده‌اند. آرایش خورشید
بنا بر وجه تسمیه‌ای که از خورشید و طبیعت دارد در زمرة الحان

توصیفی بارید از شکوه طبیعت است.
چوزد ز آرایش خورشید راهی
در آرایش بدی خورشید ماهی
(ص ۲۴۵)

در آن آواز خرگاهی پُر از جوش
سوی خرگاه شد بی‌صبر و بی‌هوش
(ص ۳۲۰)

خرگاه را خوشی و شادمانی و نیز نام لحنی نوشته‌اند.

خروش و ناله ارغنون

خروش ارغنون و خارش چنگ
رسانیده به چرخ زهره آهنگ
(ص ۳۶۹)

نمونه‌های دیگری از کاربرد ارغنون عبارت‌اند از:

سماع ارغنونی گوش می‌کرد
شراب ارغوانی نوش می‌کرد
(ص ۱۴۸)

چو زهره ارغنونی را که سازم
ببازارم نخست آن‌گه نوازم
(ص ۲۸۳)

کزو خوش‌گوت‌تری در لحن آواز
ندید این چنگ پشت ارغنون ساز
(ص ۳۰۹)

ز بانگ بوس‌های خوش‌تر از نوش
زمانه ارغنون کرده فراموش
(ص ۳۲۲)

بارید

به صنم بای ابجد و سکون دال بی‌نقطه، نام مطرب خسرو پرویز
است. گویند اصل او از جهرم بوده که از توابع شیراز است و در فن
بربط‌نوازی و موسیقی‌دانی عدیل و نظیر نداشته و سرود مسجع از
مخترعات اوست و آن سرود را خسروانی نام نهاده بود و به فتح بای
ابجد هم آمده است (برهان).

ثعالبی گوید: «بارید در ملاقات اول داستان یزدان آفرید را برای
خسرو خواند، بعد داستان پرتو فرخار را به سمع او رسانید، که همان
شادمانی را می‌بخشد، که توانگری از پس درویشی می‌بخشد، پس
از آن داستان سبز اندر سبز را خواند و نواخت، چنان‌که شنوندگان
از آهنگ زارزار ابریشم رود و از زیر و بم سرود او مجذوب و مبهوت
شدند.»

دستگاه‌های موسیقی منسوب به بارید مرکب از هفت خسروانی
سی لحن و ۳۶۰ داستان بود که با ایام هفته و سی روز و ۳۶۰ روز
ساسانیان، تناسب داشته است. در ابیات ص ۳۰۹، ۳۱۶، ۸۶، ۳۱۱،
۳۲۹، ۳۲۵، ۳۱۹، ۳۰۹، ۲۲۶، ۳۲۵، ۳۱۲، ۱۵۱، ۳۲۰، ۲۲۶، ۳۱۳،
۳۳۰، و ۳۴۶ نام بارید در منظومه خسرو و شیرین ذکر شده است.
باغ شیرین نیز از الحان بارید در دو وصف مکننت پرویز؛ در برخی

فرهنگ‌ها لحن چهارم از سی لحن و در خسرو و شیرین نظامی به عنوان لحن سی‌ام ذکر شده است.

چو کردی باغ شیرین را شکر بار
درخت تلخ را شیرین شدی یار
(ص ۲۲۶)

گفته‌اند بارید لحن فوق را به خواست شیرین ساخته تا باغی را که خسرو پرویز به شیرین وعده کرده و فراموش کرده بود با خواندن آن به یاد خسرو آورد (کریستین سن، ۵۰۸). بانگ رود، بانگ نای، برپت و نام انواع پرده‌ها مانند پرده عشاق در ص ۳۱۶، نیز در مثنوی خسرو و شیرین دیده می‌شود.

ترنم

ترنم همان آوازه‌خوانی، آواز نیکو، سرود و نغمه است (معین). ترنم واژه‌ای عربی است. این اصطلاح نیز در مثنوی خسرو و شیرین آمده است.

ترنمشان خمار از گوش می‌برد
یکی دل داد و دیگر هوش می‌برد
(ص ۳۰۹)

نگنجد آن ترنم اندرین ساز
مخالف باشد آر برداری آواز
(ص ۳۳۳)

نکیسا در ترنم جادوی ساخت
پس آن‌گه این غزل در راهوی ساخت
(ص ۳۱۷)

حقه کالوس (کالوسی)

نام نوایی از موسیقی است و نام لحن ششم از سی لحن بارید (برهان).

چون قند از حقه کالوس دادی
شکر کالوس او را بوس دادی
(ص ۲۲۴)

دهرود

طبق نظر نظامی این ساز منسوب به بارید بوده است و آلت موسیقی زهی است که اطلاع چندانی از ساز مذکور در دست نیست و آنچه است مأخوذ از خود واژه معنی سازی که ده رود یا به عبارتی ده زه یا وتر داشته است.

حدیث بارید با ساز ده رود
همان آرامگاه شه به شهرو
(ص ۱۴۲)

راه

نغمه و تمام پرده و اصول و خوانندگی و نوازندگی را گویند (برهان).

راه در متون نظم و نثر ادب فارسی جایگزین معنای لحن، نغمه،

مقام، داستان، پرده، نوا، آهنگ، گوشه، شعبه، سرود، آواز، طریقه، خوانندگی و نوازندگی گردیده است. ره مخفف راه و در کلیه معانی آن به کار رفته است (واژه‌نامه موسیقی ایران زمین).

ملک دل داده تا مطرب چه سازد
کدامین راه و داستان را نوازد
(ص ۳۱۰)

نوا را پرده عشاق آراست
در افکند این غزل را در ره راست
(ص ۳۱۶)

کمانچه آه موسی وار می‌زد
مغنی راه موسیقار می‌زد
(ص ۱۷۹)

سپاهان

آهنگی از موسیقی (معین). اصفهان یا اصفهان یا صفاهان نام مقامی است و نیم بانگ دارد و نام یکی از دوازده مقام موسیقی است.

به آواز حزین چون عذرخواهان
روان کرد این غزل را در سپاهان
(ص ۳۱۳)

به جز شواهد ذکر شده در مثنوی خسرو و شیرین با اصطلاحات و نام پرده‌ها و نغمه‌های موسیقی دیگر نیز برمی‌خوریم که به دلیل پرهیز از اطناب کلام فقط به نام آنها اشاره می‌کنیم. از جمله این اصطلاحات عبارت‌اند از: تقطیع، جنگ، خارش جنگ، داستان بارید، داستان زن، داستان ساز، مغنی، عراقی وار، عود، نای و بانگ نای، دهل زن، بانگ و دهل، رود، زخمه، لحن موسیقار، زیرافکن، طنبور، راهوی، مضراب و ... که نشان‌دهنده آگاهی ژرف نظامی به هنر موسیقی است.

منظومه خسرو و شیرین یکی از منابع اساسی اصطلاحات موسیقی می‌باشد و اکثر اصطلاحات بزمی در این مثنوی ذکر شده است. خنیاگران دوره ساسانی مانند نکیسا و بارید شاعران دربار بودند و نواها و الحان آن‌ها با کلام همراه بوده یعنی شاعر درحالی که بدیهه‌سرا و به مقتضای مجلس باید بدیهه‌سرایی می‌کرد، باید برای آن اشعاری هم می‌ساخت. سنت هم‌آمیزی شاعری و نوازندگی در قرون نخستین بعد از اسلام نیز ادامه داشت.

فهرست منابع و مآخذ

۱. حسین علی ملاح، پیوند موسیقی و شعر، نشر فضا، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۲. دو گفتار درباره خنیاگری و موسیقی، مری بویس، هنری جورج فارمر، ترجمه بهزاد باشی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۳. خسرو و شیرین، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۴. فرهنگ برهان قاطع، محمدبن حسین خلف تبریزی، به اهتمام دکتر محمد معین، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۵. فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، ۶ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۶. فرهنگ اصطلاحات موسیقی در دیوان خاقانی و خمسه نظامی، پایان‌نامه محسن سیدعیسی‌زاده، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. کلیات نظمی گنجوی، مطابق نسخه وحید دستگردی، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۸. مهدی ستایشگر، واژه‌نامه موسیقی ایران زمین، جلد اول، اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.